

The Role of Tax Avoidance in Increasing the Risk of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Mohammad Ali Sari ¹ | Abdollah Hoseinzadeh ² | Mahsa sadat Tabatabaei ³

Abstract

Applying tax minimization policies can increase the uncertainty of paying taxes in the future due to creating uncertainty in the tax situation and thus increasing the risk of the company. However, if a company maintains a stable low effective tax rate, there is little chance that this corporate tax policy will increase the company's risk; But if tax minimization leads to the instability of the tax situation, it will increase the risk of the company. Low tax rates can also increase uncertainty about future cash flows. The purpose of this research is to investigate the relationship between tax avoidance and company risk (future fluctuation of tax rate and future fluctuation of stock returns) using the information of 148 companies in the years 2013 to 2019 (number of 1,036 companies). This research is applied in terms of purpose, which was carried out using the post-event approach and based on the method, it is of the correlation type. The results of the hypotheses test show that there is a direct and significant relationship between tax avoidance and tax rate volatility, and the relationship between tax avoidance and future volatility of stock returns is not significant. Based on these results, it can be said that tax avoidance brings tax risk, but due to the lack of specialization of Iran's capital market, it cannot be considered effective in the fluctuation of stock returns

Keywords: Taxes; Unreliability; Risk; Fluctuation; Returns.

DOR: 20.1001.1.27171809.1401.3.2.6.1

1. corresponding author: Assistant Professor, Department of Accounting, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. accountant2004@gmail.com
2. Department of Accounting, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
3. Department of Accounting, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





۲

سال سوم
تابستان ۱۴۰۱

نقش اجتناب مالیاتی در افزایش ریسک شرکت های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران

محمدعلی ساری^۱ | عبدالله حسین زاده^۲ | مهسالسادات طباطبائی^۳

چکیده

به کارگیری سیاست های کمینه سازی مالیات می تواند به دلیل ایجاد عدم اطمینان در وضعیت مالیاتی، باعث افزایش عدم اطمینان نسبت به پرداخت مالیات در آینده و در نتیجه افزایش ریسک شرکت گردد. با این حال، اگر یک شرکت، نرخ مؤثر مالیات پایین باثبات را حفظ کند، احتمال کمی وجود دارد که این سیاست مالیاتی شرکت، افزایش ریسک شرکت را در پی داشته باشد؛ اما اگر کمینه سازی مالیات منجر به بی ثباتی وضعیت مالیاتی گردد، افزایش ریسک شرکت را به همراه خواهد داشت. نرخ های مالیاتی کم، همچنین می تواند عدم اطمینان در مورد جریان های نقد آتی را افزایش می دهد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت (نوسان آتی نرخ مالیات و نوسان آتی بازده سهام) با استفاده از اطلاعات ۱۴۸ شرکت در سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ (تعداد ۱,۰۳۶ شرکت-سال)، می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده که با استفاده از رویکرد پس رویدادی انجام شده و بر مبنای روش، از نوع همبستگی می باشد. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد که بین اجتناب مالیاتی و نوسان نرخ مالیات رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و رابطه بین اجتناب مالیاتی و نوسان آتی بازده سهام معنادار نیست. بر پایه این نتایج می توان گفت که اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی را به همراه دارد اما به دلیل تخصصی نبودن بازار سرمایه ایران، نمی توان آن را در نوسان بازده سهام مؤثر دانست.

کلیدواژه ها: مالیات؛ عدم اطمینان؛ ریسک؛ نوسان؛ بازده.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۲/۱۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۰۸/۱۶

صص: ۲۱۶-۱۸۹

شاپا چاپی: ۲۷۱۷-۱۸۰۹

الکترونیکی: x: ۲۷۱۷-۱۹۹



DOR: 20.1001.1.27171809.1401.3.2.6.1

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

accountant2004@gmail.com

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial

Commercial



توزیع شده است.

مقدمه

مالیات یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها به شمار می‌آید. افزایش درآمد مالیاتی دولت‌ها، توانایی خدمت‌رسانی اجتماعی را تقویت نموده و به تحقق اهداف دولت‌ها کمک فراوانی می‌کند. از این رو، دولت‌ها، همواره به دنبال افزایش درآمد مالیاتی هستند. از طرفی، شرکت‌ها که سهم فراوانی در مالیات پرداختی دارند، با اتخاذ تدابیر متعددی سعی دارند که مالیات کمتری را پردازند. تحقیقات گذشته روندی صعودی از اجتناب مالیاتی را نشان داده‌اند (آثور^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در این میان مارتین^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، نیز این افزایش را عامل افزایش ۲۵ درصدی تمرکز در میان شرکت‌های ایالات متحده آمریکا از اواسط دهه ۱۹۹۰ دانسته‌اند. از منظر آنان ایشان این افزایش در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به شرکت‌های بزرگ یک مزیت رقابتی می‌دهد. اگر شرکت‌ها در سال ۲۰۱۷ به اجتناب از مالیات متوسل نشده بودند، میانگین تمرکز صنعت ۰/۸۳٪ پایین‌تر قرار می‌گرفت که تقریباً در سطح تمرکز در اوایل سال ۲۰۰۰ است (مارتین و همکاران، ۲۰۲۰).

به کارگیری سیاست‌های کمینه‌سازی مالیات توسط مدیران به دلیل ایجاد عدم اطمینان در موقعیت‌های مالیاتی، باعث افزایش عدم اطمینان نسبت به پرداخت مالیات در آینده و در نتیجه افزایش ریسک شرکت می‌گردد (پاکیزه و همکاران، ۱۳۹۴). با این حال، اگر یک شرکت، نرخ مؤثر مالیات پایین باثبات را حفظ کند، احتمال کمی وجود دارد که این سیاست مالیاتی شرکت، افزایش ریسک شرکت را در پی داشته باشد؛ اما اگر کمینه‌سازی مالیات منجر به بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی گردد، افزایش ریسک شرکت را به همراه خواهد داشت (ساری و همکاران، ۱۳۹۶).

تحقیقات اخیر یافته‌هایی تجربی مطابق با این ایده که اجتناب مالیاتی با ریسک بالاتر شرکت مرتبط است، ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به رگو و ویلسون^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد که یافتند مدیران عامل شرکت‌هایی که نرخ‌های مؤثر مالیاتی کمتری دارند، انگیزه‌های ریسک‌پذیری بیشتری دارند. به اعتقاد آن‌ها مدیران عامل به انجام استراتژی‌های کاهش ریسک مالیاتی راغب هستند. بادر تسچر^۴ و همکاران (۲۰۱۳) نیز یافتند که مالکیت مدیریتی به‌طور مثبت با نرخ مؤثر

1. Autor
2. Martin
3. Rego & Wilson
4. Badertscher

مالیاتی مرتبط است. افزون بر این، حسن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) یافتند که شرکت های با نرخ های مؤثر مالیاتی کمتر هنگام دریافت وام بانکی، نرخ بهره بانکی بالاتری را متحمل می شوند. با این حال، همان طور که دیرنگ^۲ و همکاران (۲۰۱۴)، مستند نمودند اجتناب مالیاتی طیف گسترده ای از فعالیت های کاهنده مالیات اعم از سرمایه گذاری های مطلوب مالیاتی مانند اوراق قرضه شهرداری معاف از مالیات را برای استراتژی های پرریسک تری که احتمالاً در صورت اعتراض در دادگاه محکوم می شود، آشکار می نماید. دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸)، نیز یافتند که برخی شرکت ها برای حفظ نرخ های مؤثر مالیاتی کم برای دوره ای طولانی از زمان، توانا هستند؛ اما از سوی دیگر، بیور و کلاسن^۳ (۲۰۱۴)، هیچ رابطه ای بین نرخ های مؤثر مالیاتی کم و پرداخت های مالیاتی غیرمنتظره آتی پیدا نکردند که یافته آنان با این ادعا که نرخ های مؤثر مالیاتی کم منعکس کننده اجتناب مالیاتی ریسک دار است، متناقض است. علاوه بر این، مشخص نیست که آیا فعالیت های کاهنده پرداخت های مالیاتی شرکت بر ریسک شرکت تأثیر می گذارد یا خیر. این مطالعه به درک رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت کمک می نماید. تحقیقات پیشین، شواهدی مطابق با اینکه فعالیت های اجتناب مالیاتی، ریسک شرکت را افزایش می دهد ارائه داده اند که می تواند منجر به این ادعا شود که نرخ های مؤثر مالیاتی کم، مبادله ای از بازده و ریسک تجاری را منعکس می کنند و شرکت ها برای به دست آوردن نرخ های مؤثر مالیاتی کم، ریسکی مازاد را متحمل می شوند. با این حال بنا به دلایلی که در بالا نیز عنوان شد امکان نبود رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت نیز مطرح است و تحقیقاتی تجربی چون گانتز^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، نبود رابطه بین این دو متغیر را مستند نمودند. آن ها استدلال نمودند به همان اندازه که کمتر بودن نرخ های مالیاتی می تواند نشان دهنده بهره مندی از مزایای مالیاتی باشد، احتمال محکومیت در دادگاه ها را نیز کاهش می دهد. از این رو، به واسطه اجتناب مالیاتی ای که بتواند در رشد مزیت های مالیاتی و سرمایه گذاری های مطلوب مالیاتی اثرگذار باشد، احتمالاً عدم اطمینان در مورد پرداخت های آتی مالیات افزایش نیافته و پایداری بیشتری انتظار می رود؛ لذا نمی توان با اطمینان افزایش اجتناب مالیاتی را نشان دهنده ریسک بیشتر شرکت ها دانست. با توجه به

1. Hasan

2. Dyreng

3. Bauer & Klassen

4. Guenther

توضیحات ذکر شده، هم‌چنان رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت به‌عنوان مسئله‌ای تجربی قابل طرح است و از این‌رو پژوهش بیشتر در این زمینه ضرورت و اهمیت دارد.

مبانی نظری پژوهش

۱- اجتناب مالیاتی

در حالی که گزارشگری مالی جسورانه (متهورانه) در ادبیات حسابداری به شکل گسترده بررسی شده است، گزارشگری متهورانه مالیاتی به‌ویژه در ایران کمتر مورد بررسی گرفته است. برخی، گزارشگری متهورانه مالیاتی را به‌عنوان طیف وسیعی از فعالیت‌ها، شامل (قیمت‌گذاری انتقالات داخلی، به‌کارگیری اموال نامشهود در مکان‌هایی با نرخ مالیات کمتر، به‌کارگیری انتقال مزایا به شرکا در ساختار معاملات، تنظیم اجاره‌نامه‌های مصنوعی و پناهگاه‌های مالیاتی)، توصیف کرده‌اند (فرانک^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). هرچند همه این معاملات، نامشروع تلقی نمی‌شود اما همه آن‌ها دارای درجاتی از تهور گزارشگری مالیاتی می‌باشند؛ به‌ویژه هنگامی که اکثر آن‌ها توسط یک شرکت به کار گرفته شود (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹).

با این حال از نظر مفهومی، تعریف فرانک و همکاران از گزارشگری مالی متهورانه چنین است که همچنان که مدیریت سود ممکن است در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری باشد یا نباشد؛ گزارشگری مالیاتی متهورانه نیز ممکن است طبق طرح‌ریزی مالیاتی بکار رفته در زمره روش‌های متقلبانه مالیاتی قرار بگیرد یا خیر؛ بنابراین تعریف، گزارشگری متهورانه هم‌بر گزارشگری متقلبانه و هم مواضع غیرقطعی گزارشگری دلالت دارد؛ اما از نقطه نظر تجربی، آن‌ها بالا بودن ارقام تعهدی اختیاری قبل از مالیات (تفاوت‌های دائمی مالیات دفتری) که احتمالاً در محدوده استانداردهای حسابداری نیز قرار دارد را به‌عنوان گزارشگری متهورانه مالیاتی در نظر گرفته‌اند (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹). محققان استدلال می‌کنند که مالیات متهورانه فعالیت‌های خاص است که توسط مجموعه‌ای از معاملات که در آن هدف اولیه کاهش بدهی مالیاتی شرکت است، احاطه شده است (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲). بالاکریشن^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، نیز سیاست‌های مالیاتی شرکتی را متهورانه تعریف می‌کنند که با توجه به نوع صنعت و اندازه

1. Frank

2. Balakrishnan

شرکت به میزان غیرمنتظره‌ای کمتر مالیات می‌پردازد. معیار اندازه‌گیری تهور مالیات آن‌ها، بیان می‌کند ضمن ثابت در نظر گرفتن دیگر شرایط، شرکت‌های مشابه باید فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مشابهی داشته باشند؛ و در میان شرکت‌ها با فرصت‌های برنامه‌ریزی مشابه، سیاست‌های مالیاتی شرکت‌هایی که میزان مالیات کمتری گزارش می‌کنند، متهورانه در نظر گرفته می‌شود.

در یک بررسی کلی اختلاف و تهور مالیاتی را از بعد شخصیت‌های عامل بروز آن می‌توان، به سه دسته مؤدی، قانون‌گذار و مراجع مالیاتی که به جهت بررسی دقیق‌تر این دو عامل اخیر به‌عنوان عوامل خارجی در نظر گرفته می‌شوند، تقسیم کرد (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲). عوامل خارجی مؤثر در افزایش تهور مالیاتی از نظر بوشمن^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، گاهی اوقات شرکت‌ها با ایجاد ساختارهای پیچیده تلاش می‌کنند سرمایه‌گذاران را فریب داده و ارزش شرکت را بالاتر از ارزش واقعی و یا بدهی‌های خود را کمتر از واقع نشان دهند. هم‌چنین پیچیدگی در گزارش‌های مالی شرکت‌ها ممکن است تعمدی نبوده و مربوط به عواملی خارج از شرکت باشد نظیر نحوه نگارش استانداردهای حسابداری و امکان تفسیرهای متفاوت و آزادی عمل شرکت‌ها در ارتباط با آن، تنوع در انتخاب ابزارهای مالی توسط شرکت‌ها و نحوه انعکاس آن در ترازنامه و فعالیت شرکت‌ها در گستره‌ای از رشته‌های مختلف تجاری باشد. (بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۴). با تعمیم این عوامل به پیچیدگی گزارش‌های مالیاتی می‌توان گفت علاوه بر مواضع گزارشگری متقلبانه جهت فرار مالیاتی از طرف مؤدی، عوامل خارجی نیز می‌توانند در افزایش تهور گزارشگری مالیاتی تأثیر بگذارند نظیر:

- نارسایی قوانین (نقص قانون، سکوت قانون، اجمال قانون، تناقض قوانین)
- عدم وجود استانداردهای حسابداری مرتبط با مالیات بر درآمد
- مغایرت‌های استانداردهای حسابداری با قوانین و مقررات مالیاتی (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰).

اجتناب از مالیات از دیدگاه سنتی و مرسوم خود یک فعالیت حداکثرکننده ارزش تلقی می‌شود که ثروت را از دولت به سهامداران شرکت منتقل می‌کند. در چارچوب تئوری نمایندگی، تحقیقات اخیر استدلال می‌کنند که فعالیت‌های اجتناب از مالیات، می‌تواند امکان رفتارهای

فرصت طلبانه را به مدیریت بدهد. اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است که می‌تواند از طریق انتقال درآمد به یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت‌گذاری انتقالی انجام شود. با توجه به تعاریف مطرح شده در این زمینه، اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که دربرگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است که از آنجا می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روش‌های حسابداری که صرفه‌جویی مالیاتی (سپر مالیاتی) بیشتری ایجاد می‌کنند، اشاره نمود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴).

۲- اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت

از یک طرف، به چند دلیل انتظار می‌رود که اجتناب مالیاتی، افزایش ریسک شرکت را در پی داشته باشد. اول، اجتناب مالیاتی، عدم اطمینان در مورد پرداخت‌های آتی مالیات شرکت را افزایش می‌دهد (بلوین^۱، ۲۰۱۴). اگر پرداخت‌های مالیاتی، مؤلفه‌ای بزرگ و کافی از جریان نقد شرکت باشد، پس عدم اطمینان در مورد میزان پرداخت‌های مالیاتی شرکت می‌تواند به عدم اطمینان در مورد جریان نقد کلی شرکت، منجر شود. دوم، میزان اجتناب مالیاتی می‌تواند به‌عنوان شاخصی برجسته در مورد ریسک سرمایه‌گذاری شرکت فراتر از آنچه که به‌وسیله دیگر سیگنال‌ها از قبیل نوسان جریان نقد شرکت دریافت می‌شود، عمل نماید. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که اعتماد یک شرکت به سرمایه‌گذاری‌های مشمول مالیات با ورود آن‌ها به سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز مرتبط باشد. برای نمونه، کاهش در نرخ مالیاتی یک شرکت می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری در کشورهایی که از نرخ‌های مالیاتی کم برای جریان ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور مربوطه‌شان استفاده می‌کنند را منعکس نماید. در نهایت، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند پیچیدگی گزارش‌های مالی و افشاهای شرکت را از طریق کاهش شفافیت و افزایش عدم اطمینان مربوط به جریان‌های نقد آتی شرکت، افزایش دهد (گانتر و همکاران، ۲۰۱۷).

بنابراین، نرخ‌های مالیاتی کم می‌تواند نشان‌دهنده ریسک بیشتر سیاست‌های اجتناب مالیاتی باشد که عدم اطمینان را بالا می‌برد. از جمله پیامدهای این موضوع می‌تواند افزایش نرخ‌های مالیاتی آتی شرکت باشد. این نگرش از نمای ریسکی توسط مارکوویتز^۱ (۱۹۵۲) می‌باشد که ریسک پراکندگی نتایج احتمالی را منعکس می‌کند (ساندر^۲، ۲۰۱۵). در این حالت، نرخ‌های مالیاتی کم، درجه بالاتری از عدم اطمینان را دارد زیرا اعتماد بیشتر به اجتناب مالیاتی با انگیزه‌های مالیاتی کوتاه‌مدت، عدم اطمینان در مورد پرداخت‌های مالیاتی آتی شرکت را افزایش می‌دهد. عدم اطمینان از این احتمال ناشی می‌شود که مواضع مالیاتی شرکت، به وسیله سازمان امور مالیاتی رد خواهد شد یا این که به انگیزه‌های مالیاتی که در آینده در دسترس نخواهد بود، می‌افزاید (گانتز و همکاران، ۲۰۱۷).

از طرفی دیگر، چندین دلیل نیز وجود دارد که چرا احتمالاً نرخ‌های مالیات کمتر رابطه‌ای با ریسک شرکت نداشته باشد. برای نمونه، به میزانی که نرخ‌های مالیات کمتر، توانایی شرکت برای بهره‌گیری از مزایای سرمایه‌گذاری مطلوب مالیاتی را منعکس کند، بعید است که توسط ممیز مالیاتی مورد اعتراض قرار گرفته یا در دادگاه محکوم شود (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۴). فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که باعث کاهش پرداخت‌های مالیاتی جاری یک شرکت می‌شود، معمولاً به وسیله پرداخت‌های بالا در دوره‌های آتی دنبال نمی‌شود یا عدم اطمینان مربوط به پرداخت‌های مالیاتی آتی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، توانایی برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب مالیاتی، احتمالاً مانند زمانی که به جایگاه تسهیلاتی و کارکردی تولید مربوط است، پایدار باشد. در این حالت، اجتناب مالیاتی نباید عدم اطمینان در مورد نرخ‌های مالیاتی آتی شرکت را افزایش دهد. در نهایت، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که کاهنده نرخ مالیات شرکت هستند، احتمالاً سیگنالی در رابطه با میزان سرمایه‌گذاری‌های پر ریسک شرکت فراتر از آنچه به وسیله دیگر ویژگی‌های قابل مشاهده شرکت به دست آمده، ارائه ندهد و عدم اطمینان در مورد جریان نقد آتی شرکت را افزایش ندهد.

درحالی که بر پایه آنچه بیان شد، رابطه نرخ‌های مالیاتی با درجه بالاتر ریسک شرکت، رابطه‌ای مثبت پیش‌بینی می‌شود اما این رابطه بنا به چند دلیل، مسئله‌ای تجربی محسوب می‌گردد.

1. Markowitz

2. Sunder

اول، این که شرکت‌ها اغلب برای کاهش نرخ مالیاتشان به وسیله اتخاذ مزایای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب مالیاتی، توانا هستند. در چنین مواردی، در صورت وجود، ریسک کمی در شرکت وجود دارد که مالیات‌ها و جریمه‌های آتی را برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی جاری‌شان، ارزیابی خواهند نمود. اگرچه توانایی شرکت برای انجام چنین سرمایه‌گذاری‌هایی در طول زمان نسبتاً پایدار است، پس شرکت باید قادر باشد تا نرخ مالیاتی کمشان را حفظ کنند؛ در این صورت، هیچ رابطه‌ای بین نرخ مالیاتی شرکت و یا تداوم نرخ مالیاتی یا نوسان نرخ مالیاتی آتی وجود نخواهد داشت. به‌طور مشابه، درحالی که منافع مالیاتی ممکن است با ریسک معاملات اساسی مرتبط باشد، روشن نیست که نرخ مالیاتی، اطلاعات فزاینده‌ای در رابطه با ریسک آن معاملات فراتر از آنچه به‌وسیله سایر شاخص‌های قابل مشاهده ضبط می‌شود، ارائه دهد یا خیر؟ (گانتز و همکاران، ۲۰۱۷).

نرخ‌های مالیاتی کم، می‌تواند همچنین با ریسک شرکت به‌وسیله انعکاس درجه سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌دار شرکت با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران به واسطه کاهش در شفافیت مالی، مرتبط باشد. این موضوع منجر به این پیش‌فرض می‌شود که نرخ‌های مالیاتی کم، عدم اطمینان در مورد جریان‌های نقد آتی را افزایش می‌دهد. نرخ‌های مالیاتی کم سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌دار شرکت را در صورتی که خصوصیات مالیاتی معاملات خاص با ریسک اساسی معامله همراه باشد، به دو دلیل منعکس می‌کند. اول، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند به درجه بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از درجه پایین‌تر افشا، منجر شود. دوم، پیچیدگی ناشی از استراتژی‌های پیچیده اجتناب مالیاتی به کار گرفته شده می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را افزایش دهد. برای نمونه بالاگریشان و همکاران (۲۰۱۲)، شواهدی یافتند که نرخ‌های مالیاتی کم، با شفافیت مالی کم مرتبط است. علاوه بر این، کیم^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، شواهدی یافتند که نرخ‌های مالیاتی کم با چولگی منفی‌تر در بازده‌های سهام و افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، مرتبط است که این موضوع باینکه مدیران شرکت‌های با نرخ‌های مالیات کم، افشای اطلاعاتی نامطلوبی دارند، مطابق است. هوپ^۲ و همکاران (۲۰۱۳)، افشای خاص را بررسی کردند و یافتند که شرکت‌های با نرخ‌های مالیاتی کم، احتمال بیشتری دارد تا افشای بخشی جغرافیایی را برای پنهان نمودن منابع فعالیت‌های اجتناب مالیاتی‌شان متوقف نمایند. یافته مذکور مطابق با این

1. Kim
2. Hope

پیش‌فرض است که نرخ‌های مالیاتی کم ساختارهای پیچیده مالیاتی را منعکس می‌کند و مدیران شفافیت را به‌منظور جلوگیری از هزینه‌های بالقوه سیاسی حاصل از افشای استراتژی‌های کاهنده مالیاتی‌شان، کاهش می‌دهند. این افزایش ریسک شرکت به این دلیل است که مواضع مالیاتی پیچیده نمی‌تواند از یک حسابرسی دقیق توسط مقامات مالیاتی در حوزه‌های قضایی مربوطه در امان باشد و به عدم اطمینان در مورد جریان نقد مالیاتی آتی منجر می‌شود. هم‌چنین، درجه کمتر از شفافیت، توانایی ذینفعان بیرونی را برای ارزیابی صحیح اقدامات مدیریت و تصمیمات سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهد که به عدم اطمینان بیشتر در مورد جریان‌های نقد آتی شرکت منجر می‌شود (گانتر و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، با وجودی که اجتناب مالیاتی می‌تواند منجر به درجه کمتر شفافیت و درجه بالاتر نوسان شود، مشخص نیست که آیا اجتناب مالیاتی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نوسان بازده سهام داشته باشد یا خیر؟ (گانتر و همکاران، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

نیومن^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای از بینش‌های متخصصان مالیاتی و مقامات مالیاتی برای تعریف و توسعه تخمینی از ریسک مالیاتی استفاده می‌کنند که مستقل از نتایج مالیاتی رایج مورد مطالعه در ادبیات موضوعی قبلی است. آزمون‌های اعتبارسنجی مطالعه آن‌ها تأیید می‌کنند که معیار ریسک مالیاتی آن‌ها نشان‌دهنده عدم اطمینان قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی ذاتی در سه منبع ریسک مالیاتی (عدم اطمینان اقتصادی، ابهامات قوانین مالیاتی و پردازش نادرست اطلاعات) است. افزون بر این، یافته‌های آن‌ها اثرات صنعت در درک عوامل مؤثر بر تصمیمات برنامه‌ریزی مالیاتی و تغییر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را نشان می‌دهد. کویک^۲ و همکاران (۲۰۱۴)، رابطه‌ای مثبت بین موجودی بدهی داخلی مدیریت و نرخ‌های مالیات شرکت یافتند که با این ایده که مدیران از استراتژی‌های پرریسک کاهنده مالیات برای محافظت از ارزش پرداخت‌های آتی قراردادهای آن‌ها توسط شرکت، سازگار است. هوانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۴)، یافتند که شرکت‌های با تمرکز بیشتر مشتری، نرخ‌های مالیاتی کمتری دارند که این یافته با این پیش‌فرض

1. Neuman

2. Kubick

3. Huang

مطابق است که مدیران علاقه‌مند به تحمل ریسک بالای تمرکز مشتری، متمایل به تحمل ریسک استراتژی‌های کاهنده مالیات نیز می‌باشند. مطالعات هم‌چنین شواهدی مطابق با این پیش‌فرض یافتند که نرخ‌های مالیاتی کم به جریان‌های نقد پر ریسک منجر می‌شود به طوری که در هزینه‌های استقراض بالاتر، منعکس می‌گردد. به‌طور مشابه، حسن و همکاران (۲۰۱۴)، نیز رابطه‌ای منفی بین نرخ‌های مالیات و گسترش استقراض یافتند.

بدرتسچر و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی، رابطه مثبت بین مالکیت مدیریتی و نرخ مالیات شرکت یافتند. شلوین^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، شواهدی یافتند که نرخ‌های مالیات کمتر با هزینه‌های بالاتر بدهی‌های عمومی، مرتبط است. نتایج بالا با این پیش‌فرض که سرمایه‌گذاری در کاهش مالیات، ریسک‌پذیری شرکت را افزایش می‌دهد، همسو می‌باشند.

رگو و ویلسون (۲۰۱۲)، رابطه‌ای منفی بین انگیزه‌های ریسک‌پذیری مدیرعامل و سطح نرخ مؤثر نقدی مالیاتی شرکت یافتند. این نتیجه با این ایده سازگار است که شرکت‌ها از انگیزه‌های ریسک‌پذیری برای تشویق مدیران به انجام استراتژی‌های کاهنده مالیات استفاده می‌کنند، سازگار است. چن و همکاران (۲۰۱۰)، نیز دریافتند که شرکت‌های خانوادگی به داشتن نرخ‌های مالیات بالاتر، متمایل هستند. نتایج حاصل از این مطالعات، با این ایده سازگار است که مدیران با تنوع کمتر از استراتژی‌های کاهنده نرخ مالیات مورد انتظار شرکت به دلیل آن که مدیران بخش بیشتری از ریسک چنین استراتژی‌هایی را متحمل می‌شوند اجتناب می‌کنند.

در ایران نیز، قادرزاده و علوی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی و مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی با توجه به چارچوب نظریه نمایندگی و نظریه ذی‌نفعان پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها همسو با نظریه ذی‌نفعان نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین مالکیت خانوادگی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. بر این اساس، مالکیت خانوادگی ماهیت همپوشانی با مسئولیت اجتماعی داشته اما تعامل آن با مسئولیت اجتماعی به تقویت ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی منجر نمی‌گردد. هادلوند و همکاران (۱۳۹۹)، ریسک مالیاتی ۱۱۸ شرکت، در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ با توجه به معیارهای خروجی کیفیت حسابرسی و هزینه‌های نمایندگی عمودی و افقی را ارزیابی

نموده‌اند. در آن پژوهش از معیارهای خروجی کیفیت حسابرسی شامل کیفیت اقلام تعهدی، جریانات نقدی تحقق‌یافته و نوسان‌پذیری سود در شرکت‌ها بهره‌گرفته شده است. همچنین برای سنجش جریانات نقدی آزاد از روش رگرسیون غلتان (چرخشی) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد، بالا بودن کیفیت اقلام تعهدی (بالا بودن سطح کیفیت حسابرسی) بر نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بالا بودن سطح جریانات نقدی تحقق‌یافته که به منزله پایین بودن کیفیت حسابرسی است باعث کاهش نرخ مؤثر مالیاتی می‌گردد. افزون بر این، نوسان‌پذیری بالای سود نیز که بیانگر دستکاری سود است با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای معکوس و معنادار دارد. همچنین بین سطح فعالیت کمیته حسابرسی از میان هزینه‌های نمایندگی عمودی با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معکوس مشاهده گردید. ساری و اعتمادی (۱۳۹۸)، نیز با استفاده از اطلاعات ۱۱۴ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ با الگوسازی مفهومی و مدل‌سازی آماری اندازه‌گیری ریسک مالیاتی بر اساس مؤلفه عدم اطمینان، به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی در شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی و بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی وجود دارد؛ به این معنی که شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات کمتر، وضعیت مالیاتی بی‌ثباتی در طول زمان دارند. از طرفی، بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با اختلاف مالیاتی شرکت‌ها نیز بیانگر افزایش اختلاف مالیاتی با کاهش نرخ مؤثر مالیاتی می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که یکی از پیامدهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، افزایش ریسک مالیاتی آن‌ها است. دارش و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی با کمک نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های دارای مالکیت دولتی و خصوصی، در بورس اوراق بهادار تهران، برای بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ در نمونه‌ای مشتمل بر ۱۵۹ شرکت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر، پایداری مالیاتی بیشتری دارند. ساری و همکاران (۱۳۹۶) نیز ریسک مالیاتی سیاست‌گذاری‌های مالیاتی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاهش نرخ مؤثر مالیاتی تأثیر منفی معناداری بر بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی در طول زمان دارد؛ به این معنی که شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات کمتر، نمی‌توانند پرداخت مالیات کمتر در طول زمان را ثابت نگه‌دارند و لذا ریسک مالیاتی آن‌ها بالا است.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای مبانی نظری و با تحلیل پیشینه پژوهش در قسمت‌های بالا، دو فرضیه پژوهش به شرح زیر تبیین می‌گردند:

فرضیه اول: بین نرخ مؤثر مالیاتی و نوسان آتی نرخ مالیات رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نرخ مؤثر مالیاتی و نوسان آتی بازده سهام رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش که در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری قرار می‌گیرد، به دلیل استفاده از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها، از نظر روش، در گروه پژوهش‌های شبه‌آزمایشی قرار می‌گیرد. همچنین از نظر هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، جزو پژوهش‌های رگرسیونی با همبستگی چندمتغیره می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، الگوی رگرسیون خطی چندمتغیره در نرم‌افزار ایویوز^۱ به کار گرفته شده است. مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش با بهره‌گیری از پژوهش گانتز و همکاران (۲۰۱۷)، به شرح زیر تدوین شده است.

مدل آزمون فرضیه اول:

$$\begin{aligned} ETR - volatility_{i,t+1,3} &= \beta_0 + \beta_1 TAX_{i,t} + \beta_2 size_i + \beta_3 PTBI_t \\ &+ \beta_4 leverage_{i,t} + \beta_5 VOL - PTBI_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} \\ &+ \beta_7 Abn - Accruals_{i,t} + \beta_8 VOL - CashFlow_{i,t} \\ &+ \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۱)}$$

مدل آزمون فرضیه دوم:

$$\begin{aligned} SD - RET_{i,t+1} &= \beta_0 + \beta_1 TAX_{i,t} + \beta_2 size_i + \beta_3 PTBI_t \\ &+ \beta_4 leverage_{i,t} + \beta_5 VOL - PTBI_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} \\ &+ \beta_7 Abn - Accruals_{i,t} + \beta_8 VOL - CashFlow_{i,t} \\ &+ \beta_9 Return_{i,t} + \beta_{10} Inst - own_{i,t} + \beta_{11} loss_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مدل‌ها در ادامه بیان گردیده است:

الف) متغیرهای وابسته

نوسان آتی نرخ مالیات ($ETR - volatility_{i,t+1,3}$): نماینده ریسک شرکت است که به صورت انحراف معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی (هزینه مالیات تقسیم بر جریان نقد عملیاتی) طی سه سال محاسبه می‌شود.

نوسان آتی بازده سهام ($SD - RET_{i,t+1}$): نماینده ریسک شرکت است که به صورت انحراف معیار بازده‌های سهام ماهانه شرکت در سال $t+1$ ، محاسبه می‌شود.

ب) متغیر مستقل

اجتناب مالیاتی ($TAX_{i,t}$): به صورت نرخ مؤثر مالیات تعهدی (هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات) محاسبه می‌شود. پایین بودن این نرخ نشان‌دهنده پرداخت کمتر مالیات و اجتناب مالیاتی می‌باشد.

ج) متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی در مدل آزمون فرضیه اول عبارت‌اند از:

اندازه شرکت ($size_i$): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

سود قبل از مالیات ($PTBI_t$): سود قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره

اهرم مالی ($leverage_{i,t}$): بدهی‌ها به دارایی‌ها

نوسان سود قبل از مالیات ($VOL - PTBI_{i,t}$): انحراف معیار سود قبل از مالیات تقسیم

بر دارایی‌های ابتدای دوره طی سه سال

نسبت ارزش دفتری به بازار ($BTM_{i,t}$): نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق

صاحبان سهام در پایان سال

مربع اقلام تعهدی غیرعادی ($Abn - Accruals_{i,t}$): مربع اقلام تعهدی غیرعادی محاسبه‌شده

بر اساس مدل اصلاح‌شده جونز؛ به شرح ذیل:

الگوی تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵): در این مدل، ابتدا کل اقلام تعهدی به شرح زیر محاسبه

می‌شود:

رابطه

$$TA_{i,t} = E_{i,t} - CFO_{i,t}$$

(۱)

که در آن؛ $TA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t ؛ $E_{i,t}$: سود خالص شرکت i در سال t ؛ $CFO_{i,t}$: جریان وجه نقد عملیاتی شرکت i در سال t .

بعد از محاسبه کل ارقام تعهدی، پارامترهای α_1 ، α_2 و α_3 به منظور تعیین ارقام تعهدی عادی، از طریق فرمول زیر برآورد می‌شود:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left[\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن $TA_{i,t}$: کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t ؛ $\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال $t-1$ و t ؛ $\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال $t-1$ و t ؛ $PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t ؛ $A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ ؛ $\varepsilon_{i,t}$: اثرات نامشخص عوامل تصادفی؛ α_1 ، α_2 و α_3 : پارامترهای برآورد شده شرکت i .

بعد از محاسبه پارامترهای α_1 ، α_2 و α_3 از طریق روش حداقل مربعات طبق فرمول زیر، ارقام تعهدی عادی (NDA) به شرح زیر تعیین می‌گردد:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left[\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) \quad \text{رابطه (۲)}$$

و در نهایت ارقام تعهدی غیرعادی (DA) بعد از تعیین NDA به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$DA_{i,t} = \left(\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) - NDA_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

نوسان جریان نقد ($VOL - CashFlow_{i,t}$): انحراف معیار جریان نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره طی سه سال در مدل آزمون فرضیه دوم با توجه به نوع متغیر وابسته، علاوه بر متغیرهای فوق، متغیرهای کنترلی ذیل نیز در نظر گرفته شده‌اند:

بازده سهام ($Return_{i,t}$): بازده سالانه سهام؛ به صورت سالانه از رابطه زیر محاسبه گردید:

$$R_{it} = \frac{p_t(1 + \alpha + \beta) - (p_{t-1} + c\alpha) + D}{p_{t-1} - c\alpha} \times 100 \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در آن D : سود تقسیمی هر سهم طی سال، α : درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته، β : درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی، P_t : قیمت سهم در پایان دوره t ، P_{t-1} : قیمت سهم در پایان دوره $t-1$ ، C : ارزش اسمی سهام.

مالکیت نهادی ($Inst - own_{i,t}$): درصد مالکیت سهامداران نهادی شامل بانک ها، شرکت های سرمایه گذاری، بیمه، لیزینگ و واسطه گری های مالی.

زیان ده بودن ($loss_{i,t}$): متغیری دو ارزشی است که اگر سود قبل از مالیات شرکت منفی باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد.

تمام اطلاعات مورد نیاز برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش، از نرم افزار ره آورد نوین و صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استخراج گردیده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش شرکت های بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این پژوهش از نمونه گیری آماری استفاده نشده است؛ و کلیه شرکت های عضو جامعه آماری هدف که دارای شرایط زیر بوده جزو جامعه آماری در دسترس لحاظ شده اند:

۱- شرکت ها قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس پذیرفته شده باشند و تا سال ۱۳۹۹ نیز از لیست شرکت های پذیرفته شده در بورس خارج نشده باشند.

۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

۳- طی قلمرو زمانی، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداده باشند.

۴- حداقل برای یک دوره هفت ساله اطلاعات مورد نیاز آن ها جهت اندازه گیری متغیرهای بکار رفته در مدل های ارائه شده به صورت عمومی منتشر شده باشد.

۵- جزو بانک ها و مؤسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گران مالی، شرکت های هندلینگ و لیزینگ ها) نباشند، زیرا ممکن است به دلیل الزامات خاص قانونی این صنایع، قابلیت تعمیم یافته های بررسی نمونه ای آن ها به سایر شرکت ها با تردید همراه باشد.

۶- وقفه معاملاتی سهام بیشتر از سه ماه نداشته باشند تا قیمت سهام مبنای محاسبه بازدهی و سایر متغیرهای مرتبط مانند نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار از اعتبار کافی برخوردار باشد. با اعمال شرایط یادشده، تعداد ۱۴۸ شرکت به عنوان جامعه در دسترس به شرح جدول ۱ انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. نحوه انتخاب شرکت‌های مورد مطالعه

تعداد	شرح
۶۲۹	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران در قلمرو زمانی پژوهش
(۲۰۸)	شرکت‌های واسطه‌گری مالی و غیرتولیدی (بانک، بیمه، صندوق سرمایه‌گذاری و ...)
(۹)	شرکت‌های با تغییر سال مالی
(۱۶۹)	شرکت‌های با وقفه معاملاتی
(۹۵)	شرکت‌هایی با اطلاعات ناقص
۱۴۸	تعداد شرکت‌های مورد بررسی

با توجه به دوره زمانی پژوهش، طی ۷ سال، تعداد ۱,۰۳۶ شرکت-سال، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که اطلاعات جمعیت شناختی مشاهدات مورد بررسی در ادامه ذکر می‌گردد.

اطلاعات جمعیت‌شناسی (آمار توصیفی)

جدول ۲ اطلاعات جمعیت‌شناسی مشاهدات پژوهش را توصیف می‌کند.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی

انحراف معیار	میانگین	بیشینه	کمینه	علامت	نام متغیر
۱/۷۱۷	۰/۴۰۵	۳۹/۰۱۸	۰	ETR-volatility	نوسان آتی نرخ مالیات
۹/۱۲۶	۱۶/۲۱۶	۹۵/۳۲۵	۱/۱۳۵	SD-RET	نوسان آتی بازده سهام
۰/۱۰۰	۰/۱۰۵	۰/۸۸۴	-۰/۲۳۶	TAX	اجتناب مالیاتی
۱/۴۹۹	۱۴/۵۴۴	۲۰/۱۸۳	۱۱/۰۳۵	size	اندازه شرکت
۰/۲۴۲	۰/۱۸۳	۲/۰۱۲	-۰/۹۳۲	PTBI	سود قبل از مالیات
۰/۲۶۲	۰/۵۸۰	۳/۹۷۵	۰/۰۳۶	leverage	اهرم مالی

نام متغیر	علامت	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
نوسان سود قبل از مالیات	VOL-PTBI	۰/۰۰۰۱۳	۱/۰۶۰	۰/۱۰۵	۰/۰۹۵
نسبت ارزش دفتری به بازار	BTM	-۵/۳۲۰	۲/۳۲۹	۰/۳۷۸	۰/۴۱۳
مربع ارقام تعهدی غیرعادی	Abn-Accruals	۰	۲/۵۹۹	۰/۰۲۷	۰/۱۰۳
نوسان جریان نقد	VOL-CashFlow	۰/۰۰۲۱	۰/۵۳۱	۰/۱۰۲	۰/۰۸۱
بازده سهام	Return	-۷۲/۵۳۷	۲۴۲۴/۷۵	۱۱۷/۴۰۰	۲۱۴/۱۳
مالکیت نهادی	Inst-own	۰	۹۸/۰۹	۳۰/۸۱۶	۳۱/۰۹۸

منبع: یافته‌های محقق

برای محاسبه نوسان آتی نرخ مالیات شرکت از انحراف معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی طی سه سال استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول ۲، کمترین مقدار شاخص مذکور عدد صفر و در تعدادی از شرکت‌ها مانند پتروشیمی فارابی، ریخته‌گری تراکتور، رینگ سازی مشهد، سایپادیزل، سیمان ایلام و... بوده است. بیشترین مقدار شاخص مذکور معادل ۳۹/۰۱۸ در شرکت سایپا آذین در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. مقدار نوسان آتی بازده سهام به‌عنوان دیگر متغیر وابسته پژوهش نیز بین ۱/۱۳۵ و ۹۵/۳۲۵ تغییر نموده است که به ترتیب مربوط به شرکت سیمان خزر و پاکسان می‌باشد. سه شرکت پاکسان، سالمین و کیمیدارو نوسان آتی بازده سهام بالایی داشته‌اند. افزون بر این، اجتناب مالیاتی با استفاده از نرخ مؤثر مالیات تعهدی محاسبه شده است و بین ۰/۲۳۶- در شرکت ماشین‌سازی نیرومحرکه و ۰/۸۸۴ در شرکت تکنوتار تغییر نموده است.

در این پژوهش علاوه بر متغیرهای جدول ۲ متغیر زیان‌ده بودن ($loss_{i,t}$) دارای مقیاس اندازه‌گیری اسمی بوده و برای بررسی توصیفی آن جدول فراوانی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۱. جدول فراوانی متغیرهای کیفی

نام متغیر	حالت	تعداد	درصد
زیان‌ده بودن ($loss_{i,t}$)	سود قبل از مالیات شرکت مثبت باشد مقدار صفر	۹۰۰	۸۶/۸۷
	سود قبل از مالیات شرکت منفی باشد مقدار یک	۱۳۶	۱۳/۱۳
منبع: یافته‌های محقق			

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که فقط ۱۳۶ سال شرکت معادل با ۱۳/۱۳ درصد از سال شرکت‌ها دارای سود قبل از مالیات منفی بوده‌اند و به عبارت دقیق‌تر زیان‌ده بوده‌اند. برای اجرای مدل‌های رگرسیونی حذف مشاهدات دورافتاده برای متغیرهای وابسته و مستقل صورت گرفته تا نتایج نامطلوب آن بر مدل‌های رگرسیونی کاهش یابد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش (آمار استنباطی)

۱- آزمون فرضیه اول پژوهش

در گام نخست اجرای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره F مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ دیتا بودن داده‌های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده‌های آماری) پذیرفته می‌شود. اگر F لیمر محاسبه شده از F لیمر جدول کوچک‌تر باشد از داده‌های تلفیقی و در غیر این صورت از داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

جدول ۲. آزمون F لیمر برای تعیین روش پانل یا پولینگ مدل آزمون فرضیه اول

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
۲/۱۴۶	(۱۴۷ ۸۸۰)	۰/۰۰۰۱	پانل دیتا در اجرا مدل مناسب است

منبع: یافته‌های محقق

نتایج آزمون F لیمر در جدول ۴ بیانگر رد فرضیه صفر و وجود ناهمگنی بین مقاطع در سطح خطای ۵٪ می‌باشد. در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد؛ بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده نموده‌ایم که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی مدل آزمون فرضیه اول

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
۸/۷۶۰	۸	۰/۳۶۲	پانل با اجرای اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های محقق

در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول فوق انعکاس یافته است. نتایج بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد نشده و اثرات تصادفی برای برآورد مدل مناسب است ($p - value = 0.362 > 0.05$). در جدول زیر برآورد ضرایب رگرسیونی برای هر یک از متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۶. خلاصه نتایج برازش مدل آزمون فرضیه اول

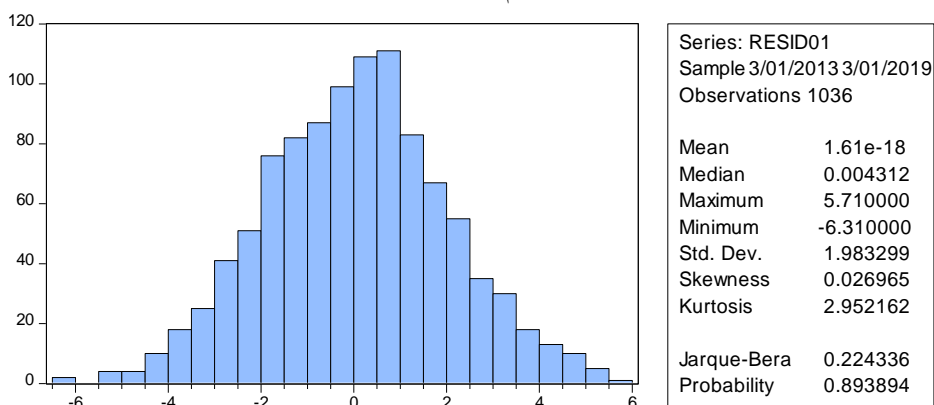
نام متغیر	علامت	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
ضریب ثابت		۱/۰۸۳	۰/۵۶۹	۱/۹۰۲	۰/۰۵۷۴	
اجتناب مالیاتی	TAX	۰/۰۴۸	۰/۰۲۳	۲/۰۸۳	۰/۰۳۷۵	۱/۴۲۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۵۸	۰/۰۲۰	۲/۸۴۶	۰/۰۰۴۵	۱/۹۸۴
سود قبل از مالیات	PTBI	-۰/۱۴۰	۰/۳۶۲	-۰/۳۸۹	۰/۶۹۷۰	۱/۰۰۲
اهرم مالی	leverage	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۹	-۹/۰۵۴	۰/۰۰۰۱	۱/۲۵۳
نوسان سود قبل از مالیات	VOL-PTBI	-۰/۸۳۲	۰/۶۹۳	-۱/۱۹۹	۰/۲۳۰۵	۱/۱۰۲
نسبت دفتری به بازار	BTM	-۰/۰۳۸	۰/۱۶۶	-۰/۲۳۱	۰/۸۱۶۸	۱/۱۳۸
مربع اقلام تعهدی غیرعادی	Abn-Accruals	۰/۴۳۱	۰/۳۵۳	۱/۲۲۰	۰/۲۲۲۷	۱/۵۲۱
نوسان جریان نقد	VOL-CashFlow	-۰/۰۴۸	۰/۰۲۳	-۲/۰۸۳	۰/۰۳۷۵	۱/۱۰۲
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲۱۶		آماره F		۴/۴۶۷
	آماره دوربین واتسون	۱/۸۷۱		سطح معناداری		۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های محقق

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که آماره فیشر ($F_{df_1, df_2} = 4/467$) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر می‌باشد؛ لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می‌باشد. ($p - value = 0.011 < 0.05$). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۳۲/۱۶ درصد تغییرات نوسان آتی نرخ مالیات شرکت بر اثر تغییرات متغیر اجتناب مالیاتی به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی می‌باشد. با توجه به نتایج جدول شماره ۴-۵، ضریب

رگرسیون متناظر با شاخص اجتناب مالیاتی ۰/۰۴۸ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۳۷۵ و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ از طرفی ضریب مذکور مثبت است؛ لذا با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر اجتناب مالیاتی بر نوسان آتی نرخ مالیات مستقیم و معنادار می‌باشد ($p = ۰/۰۳۷ < ۰/۰۵$) و با افزایش شاخص اجتناب مالیاتی، میزان نوسان آتی نرخ مالیات به‌عنوان معیار ریسک شرکت افزایش می‌یابد؛ بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده و رد فرض صفر در آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «بین نرخ مؤثر مالیاتی و نوسان آتی نرخ مالیات رابطه معناداری وجود دارد» در سطح خطای کمتر از ۵٪ تأیید می‌گردد. در ادامه مفروضات کلاسیک مدل رگرسیونی جهت ارزیابی اعتبار نتایج مدل آزمون فرضیه اول بررسی می‌گردد.

الف) نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی: برای ارزیابی نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی از آماره جارک - برا به همراه نمودار هیستوگرام استفاده شده است.



شکل ۱. نمودار هیستوگرام و آماره جارک - برا برای باقیمانده‌های مدل آزمون فرضیه اول

شکل ۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری در آزمون جارک - برا ۰/۸۹۳ و بیش از ۰/۰۵ می‌باشد؛ لذا در سطح خطای کمتر از ۵٪، نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی تأیید می‌شود.
 ب) عدم خودهمبستگی خطای مدل رگرسیونی: با توجه به آماره دووین واتسون در مدل رگرسیونی مذکور طبق جدول (۵) که مقدار ۱/۸۷۱ می‌باشد، فرض عدم خودهمبستگی برای خطای مدل رگرسیونی تأیید می‌گردد.

ج) عدم همبسته بودن متغیرهای پیش بین یا هم خطی (عدم ترکیب خطی متغیرهای پیش بین): برای ارزیابی وجود ترکیب خطی متغیرهای پیش بین از آماره عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که متغیرهای پیش بین با توجه به مقدار عامل تورم واریانس مشکل هم خطی را نداشته؛ لذا اعتبار مدل رگرسیونی در فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد.

۲- آزمون فرضیه دوم پژوهش

در گام نخست اجرای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد.

جدول ۷. آزمون F لیمر برای تعیین روش پانل یا پولینگ مدل آزمون فرضیه دوم

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
۱/۲۱۸	(۱۴۷، ۸۷۷)	۰/۰۴۱۰	پانل دیتا در اجرا مدل مناسب است

منبع: یافته‌های محقق

نتایج آزمون F لیمر در جدول ۷ بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد؛ بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده نموده‌ایم که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۸. آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی مدل آزمون فرضیه دوم

آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
۱۷/۷۵۲	۱۱	۰/۰۰۰۵	پانل با اجرای اثرات ثابت

منبع: یافته‌های محقق

نتایج آزمون هاسمن در جدول ۸ بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد شده و اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است ($p - value = ۰/۰۰۰۵ < ۰/۰۵$). در جدول زیر برآورد ضرایب رگرسیونی برای هر یک از متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول ۹. خلاصه نتایج برازش مدل آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	علامت متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
ضریب ثابت		۵۵/۴۶۹	۹/۸۴۱	۵/۶۳۶	۰/۰۰۱	

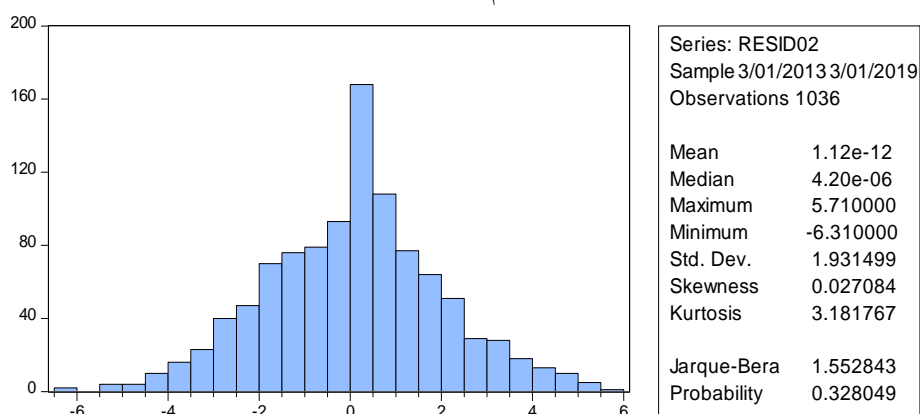
نام متغیر	علامت متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
اجتناب مالیاتی	TAX	-۳/۸۸۷	۳/۴۹۶	-۱/۱۱۱	۰/۲۶۶۶	۱/۷۸۰
اندازه شرکت	SIZE	-۲/۷۸۱	۰/۶۵۱	-۴/۲۶۷	۰/۰۰۰۱	۱/۲۳۵
سود قبل از مالیات	PTBI	۵/۳۲۳	۲/۳۴۶	۲/۲۶۸	۰/۰۲۳۶	۱/۹۸۰
اهرم مالی	leverage	-۲/۳۶۱	۱/۹۵۶	-۱/۲۰۶	۰/۲۲۷۸	۱/۶۸۸
نوسان سود قبل از مالیات	VOL-PTBI	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱۲	۱۸/۰۳۰	۰/۰۰۰۱	۱/۲۱۴
نسبت دفتری به بازار	BTM	-۲/۳۹۳	۱/۱۱۴	-۲/۱۴۷	۰/۰۳۲۰	۱/۱۵۲
مربع اقلام تعهدی غیر عادی	Abn-Accruals	-۰/۸۲۵	۴/۱۷۸	-۰/۱۹۷	۰/۸۴۳۴	۱/۴۸۸
نوسان جریان نقد	VOL-CashFlow	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱۴	۱۳/۶۷۸	۰/۰۰۰۱	۱/۲۹۸
بازده سهام	Return	-۰/۰۰۳	۰/۰۲۳	-۰/۱۵۸	۰/۸۷۴۴	۱/۶۳۳
مالکیت نهادی	Inst-own	-۵/۱۰۵	۱/۷۵۵	-۲/۹۰۸	۰/۰۰۳۷	۱/۹۹۰
زیان‌ده بودن	loss	۱/۰۹۳	۱/۰۷۶	۱/۰۱۵	۰/۳۱۰۱	۲/۲۹۸
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۰۳۰		آماره F		۳/۸۴۷
	آماره دوربین واتسون	۲/۱۰۲		سطح معناداری		۰/۰۰۰۱

منبع: یافته‌های محقق

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که آماره فیشر ($F_{df_1, df_2} = 3/847$) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیشر می‌باشد؛ لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می‌باشد. ($p - value = 0/001 < 0/05$). ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۳۰/۳۰ درصد تغییرات نوسان آتی بازده سهام شرکت بر اثر تغییرات متغیر اجتناب مالیاتی به همراه تغییرات در متغیرهای کنترلی می‌باشد. با توجه به نتایج جدول شماره ۴-۹، ضریب رگرسیونی متناظر با شاخص اجتناب مالیاتی ۳/۸۸۷- و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۲۶۶ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ لذا با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر اجتناب مالیاتی بر نوسان آتی بازده سهام معنادار نیست ($p = 0/266 > 0/05$) و با افزایش (و یا کاهش) شاخص اجتناب مالیاتی، میزان نوسان آتی بازده سهام به‌عنوان معیار ریسک شرکت تغییر معناداری ندارد؛ بنابراین با عنایت به اطلاعات

جمع آوری شده و رد نشدن فرض صفر در آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه «بین نرخ مؤثر مالیاتی و نوسان آتی بازده سهام رابطه معنادار وجود دارد» در سطح خطای ۵٪ تأیید نمی گردد. در ادامه مفروضات کلاسیک مدل رگرسیونی جهت ارزیابی اعتبار نتایج مدل آزمون فرضیه دوم بررسی می گردد.

الف) نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی: برای ارزیابی نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی از آماره جارک - برا به همراه نمودار هیستوگرام استفاده شده است.



شکل ۲. نمودار هیستوگرام و آماره جارک- برا برای باقیمانده های مدل آزمون فرضیه دوم

شکل ۲ نشان می دهد که سطح معناداری در آزمون جارک - برا ۰/۸۹۳ و بیش از ۰/۰۵ می باشد؛ لذا در سطح خطای کمتر از ۵٪، نرمال بودن خطای مدل رگرسیونی تأیید می شود. ب) عدم خودهمبستگی خطای مدل رگرسیونی: با توجه به آماره دوربین واتسون در مدل رگرسیونی مذکور طبق جدول (۸) که مقدار ۲/۱۰۲ می باشد، فرض عدم خودهمبستگی برای خطای مدل رگرسیونی تأیید می گردد.

ج) عدم همبسته بودن متغیرهای پیش بین یا هم خطی (عدم ترکیب خطی متغیرهای پیش بین): برای ارزیابی وجود ترکیب خطی متغیرهای پیش بین از آماره عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می شود. یافته های جدول ۹ نشان می دهد که متغیرهای پیش بین مشکل هم خطی را نداشته و مدل دارای اعتبار می باشد؛ لذا اعتبار مدل رگرسیونی در فرضیه دوم پژوهش تأیید می گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سیاست‌های مالیاتی در معنای عام و برنامه‌ریزی مالیاتی جسورانه به‌طور خاص ممکن است پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیم برای شرکت به وجود آورد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش تخفیف‌های مالیاتی، احتمال وضع مالیات‌های بیشتر و یا تعیین جرائم مالیاتی و همچنین فشارهای سیاسی و اجتماعی و کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای غیرمستقیم استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی می‌باشند (هانلن و هیزمن، ۲۰۱۰). در این پژوهش نیز تلاش برای شناسایی پیامدهای دیگری از اجتناب مالیاتی بود و بر این مبنای بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت پرداخته شد.

به کارگیری سیاست‌های کمینه‌سازی مالیات می‌تواند به دلیل ایجاد عدم اطمینان در وضعیت مالیاتی، باعث افزایش عدم اطمینان نسبت به پرداخت مالیات در آینده و در نتیجه افزایش ریسک شرکت می‌گردد. با این حال، اگر یک شرکت، نرخ مؤثر مالیات پایین باثبات را حفظ کند، احتمال کمی وجود دارد که این سیاست مالیاتی شرکت، افزایش ریسک شرکت را در پی داشته باشد؛ اما اگر کمینه‌سازی مالیات منجر به بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی گردد، افزایش ریسک شرکت را به همراه خواهد داشت. نرخ‌های مالیاتی کم همچنین می‌تواند عدم اطمینان در مورد جریان‌های نقد آتی را افزایش می‌دهد.

در فرضیه اول، رابطه بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی شرکت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که افزایش اجتناب مالیات، ریسک مالیاتی شرکت را افزایش می‌دهد. دلایل این نتیجه طبق ادبیات موضوع به شرح ذیل است؛ اول، بالا بودن اجتناب مالیاتی، نشان‌دهنده عدم اطمینان در مورد پرداخت‌های آتی مالیات شرکت بوده و این عدم اطمینان، می‌تواند به عدم اطمینان در مورد جریان نقد کلی شرکت، منجر شود. دوم، میزان اجتناب مالیاتی می‌تواند به‌عنوان شاخصی برجسته در مورد ریسک سرمایه‌گذاری شرکت فراتر از آنچه به‌وسیله دیگر سیگنال‌ها از قبیل نوسان جریان نقد شرکت دریافت می‌شود، عمل نماید؛ و در نهایت، بالا بودن اجتناب مالیاتی، پیچیدگی گزارش‌های مالی و افشاهای شرکت را افزایش می‌دهد. در واقع اجتناب مالیاتی شفافیت را کاهش داده و در نتیجه عدم اطمینان در مورد جریان نقد آتی شرکت و

بالطبع ریسک شرکت را افزایش می‌یابد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های ساری و همکاران (۱۳۹۶)، دارش و همکاران (۱۳۹۷) و ساری و اعتمادی (۱۳۹۸)، هماهنگ می‌باشد.

در فرضیه دوم، رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و نوسان آتی بازده سهام موردبررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. به بیان دیگر اجتناب مالیاتی، نقشی در نوسان آتی بازده سهام در شرکت‌های بورسی ایران ندارد. این یافته با نتایج کیم و همکاران (۲۰۱۱)، هماهنگ نمی‌باشد. این ناهماهنگی را می‌توان به دلیل خصوصیات بازار سرمایه ایران دانست؛ آنچه ارتباط بین اجتناب مالیاتی و نوسان بازده سهام در مبانی نظری توجیه می‌نمود، نقش اجتناب مالیات در عدم تقارن اطلاعاتی و نقش عدم تقارن اطلاعاتی در بی‌ثباتی بازده سهام بود بنابراین عدم رابطه بین اجتناب مالیاتی و بی‌ثباتی بازده سهام می‌تواند مؤید آن باشد که در بازار سرمایه ایران خریدوفروش و سرمایه‌گذاری‌های سهامداران، بدون توجه به عدم تقارن اطلاعاتی صورت می‌پذیرد. در حقیقت به نظر می‌رسد به دلیل تخصصی نبودن بازار سهام در ایران، سرمایه‌گذاران تحت تأثیر جو حاکم بر بازار بوده و اقدام به حرکت‌های دسته‌جمعی در خریدوفروش سهام می‌کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد برای درک ریسک شرکت‌ها، به میزان اجتناب مالیات شرکت‌ها نیز توجه داشته باشند. چراکه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ناپایداری در مالیات آن‌ها در آینده را به همراه داشته و لذا ریسک مالیاتی را افزایش می‌دهد. هرچند بر اساس یافته‌های این پژوهش، با اطمینان نمی‌توان اجتناب مالیات شرکت‌ها را عامل بی‌ثباتی در بازدهی سهام و ریسک سرمایه‌گذاری در آن‌ها دانست.

فهرست منابع

- پاکیزه، کامران؛ حیدری، محمدرضا و بشیری جویباری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ریسک مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری، ۲۲، ۷۹-۵۷.
- دارش، فرشته؛ واعظ، سیدعلی؛ بصیرت، مهدی و کعب عمیر، احمد. (۱۳۹۷). ارزیابی پایداری مالیاتی و ریسک مالیاتی آتی شرکت با تأکید بر نوع مالکیت. پژوهشنامه مالیات، ۴۰، ۲۰۴-۱۸۵.
- رضایی، وفرزین جعفری نیارکی، روح اله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها. پژوهشنامه مالیات، ۲۶، ۱۳۴-۱۰۹.
- ساری، محمدعلی و اعتمادی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳۴، ۳۷۵-۳۵۳.
- ساری، محمدعلی اعتمادی، حسین و سپاسی، سحر. (۱۳۹۶). ارزیابی ریسک سیاست‌های کمیته‌سازی مالیات شرکت‌ها. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۵۴، ۲۴-۶.
- عبدلی، محمدرضا؛ شورورزی، محمدرضا و میرزائی، سعیده. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی با شفافیت شرکتی. حسابداری مالی، ۱۹، ۹۰-۶۹.
- عرب مازار، علی‌اکبر طالب‌نیا، قدرت اله و کیلی فرد، وحیدرضا صمدی بردگانی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۹، ۳۷-۲۲.
- محمدرضا محمدرضاعیده‌قادرزاده، کریم و علوی، سیدمصطفی. (۱۴۰۰). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. دانش حسابداری، ۱۲(۳)، ۱۲۸-۱۱۱.
- هادلوندا، فاطمه جعفری، وسیده‌محبوبه مهربان‌پور، محمدرضا (۱۳۹۹). ارزیابی ریسک مالیاتی با استفاده از معیارهای خروجی کیفیت حسابرسی و هزینه‌های نمایندگی عمودی و افقی. حسابداری مالی، ۴۵، ۱۱۶-۹۲.
- Autor, D., Dorn, D., Katz L, F., Patterson, C & Van Reenen, J. (2020). The fall of the labor share and the rise of superstar firms. *The Quarterly Journal of Economics*, 135(2), 645-709.
- Badertscher, B., Katz, S & Rego, S. (2013). The separation of ownership and control and its impact on corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56, 228-250.
- Balakrishnan, K., Blouin, J, L & Guay, W, R. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency?. Available at SSRN 1792783.
- Bauer, A & Klassen, K. (2014). Tax Risk as the Likelihood of an Unfavorable Settlement with Tax Authorities. Working paper, University of Illinois at Urbana-Champaign and University of Waterloo.
- Blouin, J. (2014). Defining and measuring tax planning aggressiveness. *National Tax Journal*, 67(4), 875-900.
- Bushman, R., Chen, Q., Engel, E & Smith, A. (2004). Financial accounting information, organizational complexity and corporate governance systems. *Journal of Accounting and Economics*, 37(2), 167-201.

- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
- Dyreg, S., Hanlon, M & Maydew, E. (2008). Long run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83, 61-82.
- Dyreg, S., Hanlon, M & Maydew, E. (2014). Rolling the Dice: When Does Tax Avoidance Result in Tax Uncertainty?. Working paper, Duke University, Massachusetts Institute of Technology, and The University of North Carolina.
- Frank, M., Lynch, L & Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
- Guenther, D. A., Matsunaga, S, R & Williams, B, M. (2017). Is tax avoidance related to firm risk?. *The Accounting Review*, 92(1), 115-136.
- Hanlon, M & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
- Hasan, I., Hoi, C, K., Wu, Q & Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113(1), 109-130.
- Hope, O., Ma, M & Thomas, W. (2013). Tax avoidance and geographic earnings disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 45, 170-189.
- Huang, H, H., Lobo, G J., Wang, C & Xie, H. (2014). Customer Concentration and Corporate Tax Avoidance. Working paper. Yeshiva University, University of Houston, and University of Kentucky.
- Kim, J B., Li, Y & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100, 639-662.
- Kubick, T R., Lockhart G B & Robinson J. R. (2014). Does Inside Debt Moderate Corporate Tax Avoidance?. Working paper, The University of Kansas, Clemson University, and Texas A&M University.
- Markowitz, H. (1952). Portfolio selection. *Journal of Finance*, 7, 77-91.
- Martin J, Parenti M, Toubal F. (2020). Corporate tax avoidance and industry concentration. Available at https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3661403
- Neuman, S. S., Omer, T. C & Schmidt, A. P. (2020). Assessing tax risk: Practitioner perspectives. *Contemporary Accounting Research*, 37(3), 1788-1827.
- Rego S O, & Wilson R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
- Rego, S & Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775-809.
- Shevlin, T., Urcan, O & Vasvari, F. (2013). Corporate Tax Avoidance and Public Debt Costs. Working paper, University of California, Irvine, University of Illinois at Urbana-Champaign, and London Business School.
- Sunder, S. (2015). Risk in accounting. *Abacus*, 51(4), 536-548.

